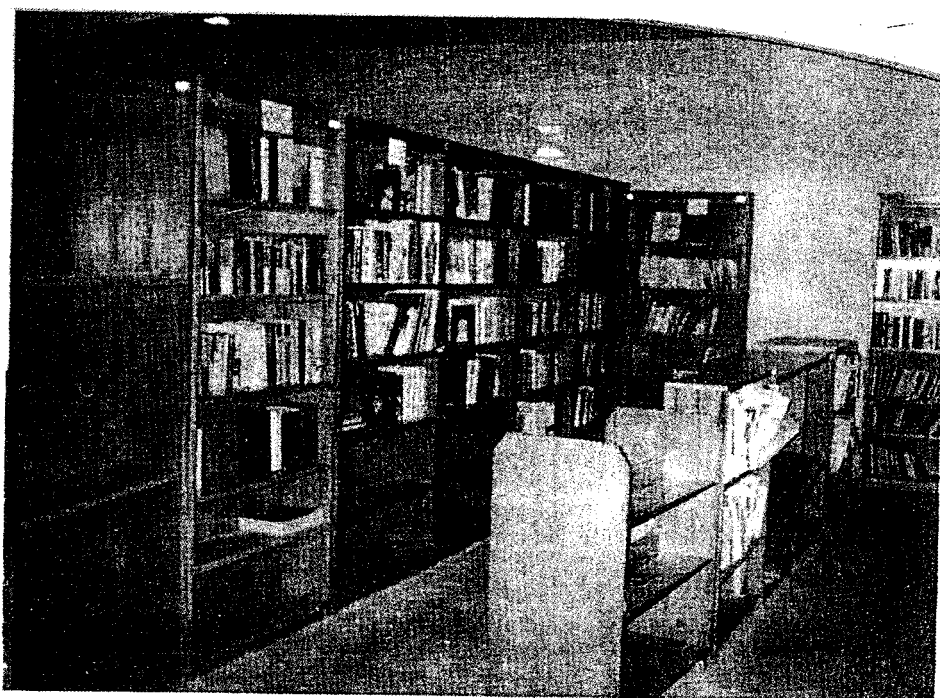




نقش کتابخانه‌های عمومی در گفتگوی

تمدن‌ها و ایجاد جامعه مدنی



نوشته: بهرام فولادی
عضو کتابخانه عمومی غدیر کیلان دماوند

«ن والقلم و ما یسطرون؛ نون، به قلم و آنچه می‌نویسد
سوگند»^۱

پیامبر اکرم (ص) در مورد کتاب می‌فرمایند: «الکتب
بساطین العلماء» کتابها باغها و بوستان‌های دانشمندان هستند.
«ما امروزه در عصر انفجار دانش قرار داریم و در دنیای امروز
حجم یافته‌ها و پیشرفت‌ها آنقدر زیاد است که به قول یکی از
متفکران آنچه در یک روز در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق
می‌افتد گاهی معادل با یکصد سال اکتشاف در قرون گذشته به
حساب می‌آید و دنیای امروز علم با سرعت غیرقابل تصویری
به مجهولات دست می‌یابد و در کنار آن صنایع نو و مدرن

طراحی می‌شوند و در واقع گسترش اطلاعات و اطلاع‌رسانی
جهان را مانند دهکده کوچکی تصور می‌کند.»^(۱)

«به احتمال بسیار این واقعیتی است که تمامی پیکره دانش
انسانی از تجربه فردی مستقیم سرچشمه می‌گیرد، هیچ‌کس را
توان آن نیست تا در دوران کوتاه زندگی به فردی کاملاً
فرهیخته و علامه بدل شود، چه ذهن و میزان هوشمندی
انسان را محدودیت‌هایی است، اما، انسان می‌تواند حاصل
تجربه‌ها و دستاوردهای خود را چنان گرد آورد و انباشته سازد
که هر نسلی پس از پایان تلاش‌های نسل پیش، کار را از آن
نقطه شروع کند، این سخن بدان معناست که انسان برای



اکنون جامعه از افراد خود انتظار دارد برای زندگی در آن فردی دوستدار حقیقت، مطلع، بردبار، محترم، پشتیبان آزادی، زیبایی‌شناس و خواستار برجا گذاردن جهانی بهتر برای زندگی دیگران باشد، هنگامی که این انتظارات بزرگ جامعه از افراد را در نظر بگیریم، امکان بالقوه کتابخانه به عنوان سازمان اجتماعی را که می‌تواند چنین نیکیانی را به بار آورد، در می‌یابیم» (۲)

آنچه که امروز بیش از هر چیز باید مورد اهمیت و تأکید بیشتر باشد بالابردن و ارتقاء سطح فرهنگ اجتماعی است، و در این میان کتاب و رسانه‌های نوشتاری از سهم فوق‌العاده‌ای برخوردارند، گرچه علوم ارتباطی و رسانه‌ای پیشرفت حیرت‌انگیزی داشته است و سرعت گردش آزاد اطلاعات و اخبار در جهان امروز بسیار زیاد است، اما هنوز هم کسی نمی‌تواند منکر نقش کتاب و اثر آن بر رشد فرهنگ باشد، ملت فرهنگ‌ساز و متمدن ایرانی با سابقه‌ای چند هزارساله در عرصه تمدن‌سازی در آغاز هزاره سوم میلادی می‌تواند با بهره‌گیری از تجارب گذشته خویش، و استفاده از تجارب دیگران راه آینده را سریعتر ببیماید و به اهداف بلند و آرمانی خویش دست یابد، گرچه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه محرومیت‌زدایی فرهنگی و گسترش فرهنگ نشر و کتابخانه‌های عمومی و افزایش عنوانها و تیراژ کتابها و نشریات گامی بلند و قابل تحسین برداشته شده است، اما ظرفیت فرهنگی جامعه بسیار بالاست و هنوز جا برای تلاش و پیگیری مستمر وجود دارد و تا اهداف مورد نظر فاصله بسیار است، و اصولاً برای بهره‌گیری از فضای کتابخانه‌های عمومی باید کار فرهنگی صورت گیرد و معمولاً اگر بخواهیم کتابخوانی با وجود انسان مانوس شود و جزء مسائل ضروری زندگی به حساب آید باید در محتوی درسی دانش‌آموزان ساعتی را جهت کتابخوانی باز نماییم، و دانش‌آموزان در این ساعت خاص با نظم به کتابخانه بروند و با فرهنگ کتابخوانی آشنا گردند و به نظر می‌رسد با بررسی میزان استقبال از کتابخانه‌های عمومی و مراکز فرهنگی در سطح کشور می‌توان با بسیاری از مشکلات از قبیل؛ محرومیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که مردم با آن دست به گریبانند آشنا شد و باید

رسیدن به تمدن باید هم نگاهدارنده و هم پیشبرنده و پیشرونده باشد، باید فرهنگی را که به ارث می‌برد نگاه دارد و در عین حال در پرتو تجربه‌ها و دستاوردهای خویش به گسترش و بهسازی آن پردازد.

انسان از آثار نوشتاری، بطور اعم کتابها، جهت فرآیندهای نگاهداری و انتقال اطلاعات استفاده گسترده‌ای به عمل می‌آورد، افزون بر این، در سطوح فراتر پیشرفت، همواره مجموعه آثار را به صورت یک «ابر کتاب» یا کتابخانه سامان می‌دهد، در حقیقت جامعه امروزی ما، بهره‌جویی از کتابخانه‌ها به منزله یک راه و رسم - و نه سود جستن از یکایک کتابها - ویژگی فرآیند اندیشگی انسان می‌شود. در کتابخانه‌ها به حفظ تمامی پیکره دانشی می‌پردازیم که پیشینیان کشف کرده‌اند، بعلاوه پیشینه‌هایی از کشف‌های تازه خود را در کتابخانه‌ها به امانت می‌نهیم، بدین سان، کتاب و کتابخانه ابزارهای نگاهداری دانش و وسایل عمده اشاعه و انتقال آن به شمار می‌رود.

گنجینه دانش به تمام و کمال در تملک جامعه و به دو شکل «جنبشی» و «بالقوه» است، شکل نخست در اذهان انسانهای زنده در جولان و صورت دیگر در کتابها و دیگر رسانه‌ها انباشته است، از اینرو در هر تمدن بهنجار باید دو نوع فرآیند اطلاعی، فعال و در کار باشد، سطح اطلاعات همگانی و رایج همیشه باید حفظ شود و هرگاه وضع خاصی پیش آید و به اطلاعاتی ویژه نیاز افتد، باید آنرا به میزان نیاز از این گنجینه برداشت، فرآیند نخست کلی و مستمر است، فرآیند دوم جزئی و متناوب می‌باشد.

ضروری است نسل حاضر مقدار دانش لازم و بسنده را جهت مشارکت در فرآیندهای فرهنگی دریافت دارد، اطلاعات بالقوه را به اطلاعات جنبشی بدل‌سازد و از دانش‌های تخصصی موجود سرمایه‌ای فراهم آورد؛ این مهم از نقش‌های بارز هر کتابخانه‌ای است.

گذر از حکومت خود کامه به دولت بهبود بخش (ناظر به رفاه همگان)، پیشگام پاره‌ای از اندیشه‌های مترقی و تعهدات اجتماعی شده که در این میان برپایی و رونق کتابخانه و نهاد آموزش و پرورش در بافت اجتماع، برتر از همه آنها بوده است،



اینگونه موانع شناسایی و مرتفع گردند و باید در این زمینه تحقیقات زیادی در کشور صورت گیرد، چرا که تحقیق غبار از چهره گذشته امور می‌زداید و واقعیت حال را مکشوف می‌سازد و نتایج تحقیقات باید به برنامه‌ریزان ارائه شود تا در برنامه‌ریزی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرند، با نگاهی به پیدایش خط و تاریخچه پیدایش رسانه‌های نوشتاری بهتر می‌توانیم به اهمیت مسئله دست یابیم؛ «گسترش خط، اثر بسیار پیچیده‌ای در فرآیند آموزش داشته است، این پدیده ضمن گسترش دامنه آموزش، اثر غیرقابل انکاری در کنترل فراگیری و محدود ساختن آن نیز داشته است، زیرا تا پیش از قرن هفدهم که کاغذ و وسایل کافی برای چاپ کتاب وجود نداشت، اغلب کتابها بوسیله روحانیان و یا با نظارت کلیسا نوشته و منتشر می‌شد و در واقع کلیسا انحصار چاپ کتاب را که تعداد آن از هزار جلد در سال تجاوز نمی‌کرد در اختیار داشت و در زمینه گسترش معلومات قدرت‌نمایی می‌کرد، در عین حال از آنجا که کاغذ و وسایل چاپ در دسترس نبود، امکان استفاده همگان از کتابهای دست‌نویس فراهم نمی‌شد و تنها عده معدودی آن هم به تشخیص کلیسا اجازه استفاده از کتابها را می‌یافتند تا اینکه در سال ۱۴۴۰ میلادی یوهان گوتنبرگ چاپ را احیا کرد و نهضت عظیمی در ارتباطات بشری به وقوع پیوست، این اختراع ابتدا برای مقاصد خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولی شکی نیست که صنعت چاپ راه را برای آموزش و پرورش همگانی هموار ساخت، قبل از گوتنبرگ در قرن سیزدهم، مردم سرزمین کره تلاش فراوانی در زمینه گسترش صنعت چاپ به عمل آورده بودند، کره‌ای‌ها فن‌آوری پایه این صنعت را در قرن نهم، از چینی‌ها که خود به دلیل پیچیدگی و گستردگی خط چینی موفق به پیاده کردن آن نشده بودند به عاریت گرفتند.

ژیه^۲ عقیده دارد که یک حرکت فلسفی - اجتماعی - سیاسی سبب گسترش و رونق چاپ شد و آن، برخورد میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بود، پروتستان‌ها بویژه لوتر^۳ عقیده داشت که «حقیقت» تنها در خود انجیل آن هم نه به زبان لاتینی یا عبری، بلکه به زبان عامیانه یافت می‌شود، و همه، از زن و مرد و کودک باید خواندن و نوشتن بدانند تا بتوانند شخصاً

انجیل مطالعه کنند، بنابراین تصادفی نیست که صنعت چاپ، نخستین گام را برای کمال و گسترش خود در آلمان - مهد پروتستانیزم - برداشته است.» (۱)

کتاب یک محصول فرهنگی است و تولید آن منوط به مناسب بودن شرایط و وجود امکانات می‌باشد، اولین و مهمترین گام در ایجاد زمینه مساعد برای تولید کتاب خوب و مفید وجود آزادی در عرصه نشر است، البته «آزادی به معنای آزادی مطلق هر نوشته نیست بلکه آزادی را که کانون نویسندگان در اساسنامه خود داشته است، اطلاقش به نویسندگان بر می‌گردد، یعنی همه نویسندگان با هر گرایش و سلیقه را در بر می‌گیرد.» (۳) که با رعایت قانون و در چارچوب‌های دینی و ملی مطالب مفید و تحقیقات خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند و لازمه این کار خلافت است، چرا که «خلافت کلید فرهنگ و آزادی کلید توسعه است، نسبت دین به معنای ایمان مذهبی، شریعت و حکومت با فرهنگ و توسعه متفاوت است، روی سخن دین با افراد است، و برای آنکه غایت و سرانجام هستی و خداوند را بشناسیم این سخن گفتن باید همراه با محبت، برانگیختن حس انسانها و توجه به آزادی باشد، و باید جستجو کرد که چگونه می‌توان نسبت دین و فرهنگ را پیدا کرد و وقتی از دین صحبت می‌شود باید تعریفی از آن ارائه شود که برای یک فیلسوف غربگرا هم روشن باشد والا در درون نظام باقی می‌ماند و انعکاس نخواهد یافت.» (۴)

«غناي فکر و رشد فرهنگ نتیجه‌ای است که از نوعی تعامل و برخورد اندیشه‌ها حاصل می‌گردد، تعاطی افکار از شرایط اساسی رشد اندیشه‌ها به شمار می‌آید، از ناهماهنگی میان افکار و اندیشه‌ها می‌توان به نوعی هماهنگی فرهنگی دست یافت، عناصر متضاد در عین تضاد و تعارض با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و در پرتو ارتباط است که اشیاء با یکدیگر پیوند می‌یابند.

بر همین اساس می‌توان گفت: حتی قوای گوناگون انسان قابل تحویل به یک مخرج مشترک هستند، نیروهای انسان در مسیرهای مختلف کشیده می‌شوند و از اصول متفاوتی پیروی می‌کنند ولی این تفاوت و نابرابری به معنای نبودن توافق و



عدم هماهنگی نیست، قوای ادراکی انسان در عین اختلاف و تعدد مکمل یکدیگر بوده و هر یک از آنها افق جدیدی را می‌گشایند و ساحت تازه‌ای از جهان هستی را به ما نشان می‌دهند.» (۵)

و ایران یکی از کشورهای با سابقه و دارای قدمت چند هزارساله در زمینه تمدن‌سازی می‌باشد و این امر یکی از تجربیات گرانسنگ اوست که با نگاه به گذشته درخشان خویش می‌تواند راه هموارتری برای آینده خود انتخاب کند، گرچه در این راه موانع داخلی و خارجی زیادی وجود دارد و اصولاً توسعه در عرصه فرهنگ دیر به نتیجه می‌رسد و اولین گام در این عرصه توسعه در آموزش و پرورش است، چرا که «بقول آلفرد مارشال^۴؛ با ارزشترین نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در انسانهاست، و کارشناسان فرهنگی معتقدند که انسان می‌تواند در آینده اجتماع اعمال نفوذ کند و آنرا مطابق اراده خود بسازد، این دید و فلسفه اجتماعی به این عقیده و پیش فرض متکی است که انسان‌ها هستند که جامعه را می‌سازند و چون از طریق آموزش و پرورش می‌توان در خلق و خوی و جهت‌گیری اجتماعی افراد اعمال نفوذ کرد، بنابراین می‌توان آینده اجتماع را نیز در دست گرفت.» (۶)

بنابراین با تأمل در موارد گفته شده کتابی می‌تواند با استقبال فراگیر عمومی مواجه شود که بتواند به سؤالات انسان پاسخ دهد، «وجود عین تجلی و ظهور است و بی‌نیاز از تعریف، انسان موجود برتر ماسواست و اثر مهم وجود او تفکر است، و آغاز تفکر با سؤالی ... آنکس که عطش پرسش ندارد از فیض پاسخ نیز محروم است و حتی از دریافت حل معمای محققان نیز ناتوان، چون فهم آراء متفکران نیز منوط به اذن حضور در ساحت سؤال حقیقی آنان است، اطلاع و خبردانی در جای خود مغتنم است، اما ذهنی که انبان اطلاعات است با ذهن آفریننده تفاوت دارد و در تاریخ تفکر نقش تعیین کننده از آن متفکران است و تفکر حقیقی با سؤال حقیقی آغاز می‌شود، تفکر فعل است و دریافت صورت انفعال، و حاشا که حقیقت وجود آدمی که جانشین پروردگار در زمین است صرف انفعال باشد...» (۷)

پس کتاب باید از چنان محتوایی جذاب برخوردار باشد تا

بتواند ذهن و فکر خواننده را پرورش دهد و او را به رشد بالای فکری و عقلانی برساند و کتاب باید در خواننده زمینه نقد و نقادی را فراهم آورد و با نگاه انتقادی به گذشته می‌توانیم سمت و سوی آینده خود را رقم بزنیم «اگر قرن نوزدهم در شرایطی به پایان رسید که روشنفکران روزگار، نگرش خود را با مارکسیسم گره زده بود، اینک قرن بیستم به پایان می‌رسد در حالی که هنوز جای یک اندیشه مسلط خالی بود. «فوکویاما» اولین کسی بود که «پایان تاریخ» را اعلام کرد، او معتقد بود که فرهنگ غرب، فرهنگ مسلط است و با کوکاکولا، بیگ مک و گوشواره‌های میکی موس، جهان را با لیبرال ... دموکراسی آشنا خواهد ساخت و در واقع تمام جنگ و جدالها به آخر رسیده است، اما خیلی زود معلوم شد که حرفهای فوکویاما سبک‌تر از آن است که بتواند نظریه تاریخی تلقی شود، پس از او «ساموئل هانتینگتون» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۹۹۳ میلادی کوشید سکوت تاریخ‌شناسانه را بشکند، او به جای پرولتاریا و بورژوازی، تمدنها را گذارد، و گفت: هشت تمدن ریشه‌دار بشری^۵ هر چه بیشتر محدوده‌های خود را تقویت می‌کنند و با یکدیگر به جدال خواهند پرداخت، از کنار نظریه هانتینگتون به سادگی نمی‌توان گذشت، سیاستمدارانی که این نظریه را بپذیرند. ناگزیر به کارکردهای تدافعی خواهند گروید و این سرآغاز تقابل‌هایی است که هانتینگتون آن را پیش‌بینی نموده و به واقع همین پدیده است که خطرناک بودن این تئوری تاریخی را رقم می‌زند، درست همانطور که ماتریالیسم تاریخی خطرناک شد، آقای سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور منتخب در نخستین موضع‌گیری در عرصه فرهنگ پس از انتخاب شدن بدون آنکه اسم آقای هانتینگتون را بیاورد به نظریه او اشاره کرد و مخالفت خود را با تئوری جنگ تمدنها اعلام داشت و تصریح کرد که اتفاقاً عصر گفتگو و هم‌کلامی تمدنها فرا رسیده است و یک سال بعد نخستین ابتکار سیاسی آقای خاتمی در عرصه جهانی آن بود که مجامع بین‌المللی را به جهتی سوق دهد که بر این رویکرد مهر تأیید بگذارند بی‌تردید افتخار بزرگ نخستین واکنش غیرآنتاگونیستی و جهان‌شمول با تئوری جدال تمدنهای هانتینگتون بنام ملت ایران و آقای خاتمی ثبت خواهد



شد» (۸)

و اکنون که به «پیشنهاد رئیس جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل سال ۲۰۰۱ بعنوان سال گفتگوی تمدنها نامگذاری شده است» (۹) نقش و رسالت کتابخانه‌های عمومی در بالا بردن سطح فرهنگ دو چندان می‌شود، و گفتگوی تمدنها باید با ورود همه فرهیختگان و دانش آموختگان و دانش پژوهان به صحنه به نتیجه برسد و ما باید در این باب از فکر و اندیشه تمامی اندیشمندان استفاده کنیم تا منتظر نتایج آن در عرصه بین‌المللی و داخلی باشیم و همانطور که می‌توانیم در عرصه گفتگو جامعه مدنی جهانی را تحت تأثیر بگذاریم، شاهد آن نیز باشیم که در کشور عزیزمان رسیدگی به وضعیت ما در فرهنگ جامعه یعنی سیستم آموزش و پرورش که از لوازم اصلی آن احیای نقش تربیتی معلم در اجتماع می‌باشد، مورد توجه قرار گیرد و معلمین باید از بین باسوادترین افراد انتخاب شوند و نیز یک معلم باید از بالاترین حقوق اجتماعی برخوردار باشد تا ریشه‌های فرهنگی تقویت شود و رو به بهبودی گذارد، یکی دیگر از مسائل مورد توجه در عرصه فرهنگ توجه داشتن و باور داشتن به فرهنگ خودی و حفظ اصول اساسی خود و نیز کمک گرفتن از نکات مثبت فرهنگ‌های دیگر است، و ما نباید خود را از سایر فرهنگها بی‌نیاز بدانیم بلکه باید با آنها روابط فرهنگی داشته باشیم و متفکران با بینش‌های مختلف با هم دیالوگ داشته باشند، و جهانی بیندیشیم رئیس محترم جمهوری در یکی از سخنرانیه‌ها شیدایی و نفرت را دو آفت نگرش به فرهنگ و تمدن غرب دانسته و استفاده از نکات مثبت دیگران را مورد تأکید دارند، و باید در عرصه گفتگوی تمدنها نکات مثبت دیگران را بگیریم و نکات منفی آنها را بشناسیم، و اگر نگاهی به تاریخ کتابخانه‌های عمومی کنیم می‌بینیم که «کتابخانه‌های عمومی اساساً در قرن نوزدهم و بیستم میلادی در تمدن غرب پای به عرصه گذاشتند، جایی که به مرور اوقات فراغت و دموکراسی به مفهوم امروزی به وجود آمد» (۱۰)

بنابراین با وضعیت موجود فرهنگی در داخل و خارج از کشور نقش مؤثر و کلیدی کتابخانه‌های عمومی بیش از پیش روشن می‌شود و می‌توان با توجه به مسایل مطرح شده به

اهمیت و نقش والای کتاب در مقولات مذهبی و ملی پی برد و کتابخانه‌های عمومی در این زمینه نقش والایی دارند و «طبق بیانیه یونسکو درباره کتابخانه عمومی - نشر یافته به سال ۱۹۷۲ میلادی - نقشهای کتابخانه عمومی عبارتست از:

- ۱- مدد به آموزش جهانی و مادام العمر
- ۲- تسهیل ارج‌گذاری و قدر و قیمت نهادن بر دستاوردهای بشری در زمینه دانش و فرهنگ.
- ۳- سهولت بخشیدن به روشها و در دسترس همگان قرار گرفتن پیشینه اندیشه‌ها، عقاید و تجلیات فکری و خلاق بشری.
- ۴- روح تازه دمیدن به بشر با فراهم آوری کتابها و دیگر رسانه‌ها به منظور بخشیدن آرامش و لذت.
- ۵- یاری رساندن به دانش‌آموزان و دانشجویان.
- ۶- فراهم آوردن اطلاعات فنی، علمی و جامعه شناختی

باب روز و تازه» (۲)

«و اهداف فرهنگی کتابخانه‌های عمومی به شرح ذیل می‌باشد که باید نقش کارآمد و کارسازی برای نیل به آنها برعهده گیرد:

- ۱- رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و انسانی و بسط پیام و فرهنگ اسلامی در جامعه و جهان
- ۲- استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگهای بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات
- ۳- به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعلیت در آمدن استعدادهای خداداده و استحصال دفائن عقول و ذخایر وجود انسان.
- ۴- آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی
- ۵- تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب
- ۶- درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل



فکری، و ظاهر گرایی، فرهنگ التقاط و خودباختگی در برابر بیگانگان» (۲)

و با توجه به سیاست‌های مطرح شده باید در جهت گسترش کتابخوانی و بهره‌گیری کیفی از کتابخانه‌های عمومی تلاش نمود و برای نیل به این اهداف در کنار فعالیت‌های مستمر و عادی کتابخانه‌ها باید کلاس‌های جنبی و فوق برنامه وجود داشته باشد تا فرهنگ کتابخوانی هر چه بیشتر در میان مردم رایج گردد و کتاب یک عنصر بیگانه در زندگی اجتماعی و فردی انسان نباشد، تشکیل کلاس‌های آشنایی با هویت ملی - مذهبی، کلاس‌های عقیدتی - سیاسی، رایانه، برگزاری شب شعر، ایجاد گروه‌های تحقیقی در بین اعضای فعال، طرح تلخیص و نقد کتاب و اعطای جایزه به بهترین تحقیق یا تلخیص و نقد از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دعوت از سخنرانان از سوی کتابخانه‌های عمومی و سایر طرح‌ها و برنامه‌ها به نوبه خود می‌تواند باعث استقبال بیشتر از کتابخانه‌های عمومی گردد، در کنار آن نیز کتابخانه‌های عمومی باید به همه نوع عناوین منتشره با سلیقه‌های فکری گوناگون مجهز باشد تا جوابگوی مراجعان باشد، همچنین کتابخانه‌های عمومی باید به آخرین سیستم‌های اطلاع‌رسانی جهانی مجهز باشند، باشد که با اینکار فرهنگ عمومی جامعه اسلامی رشد یابد و شاهد رشد جامعه مدنی در عرصه جهانی باشیم.

منابع

- ۱- پایان‌نامه، مطالعه کاربرد فن‌آوری آموزشی در آموزش علوم تجربی - استاد راهنما، مهندس رضا حیدری - مرکز آموزش عالی فرهنگیان ۲۰۰۳ - ۷۴ بهرام فولادی
- ۲- بخشی در مورد رسالت کتابخانه عمومی - دکتر اسداله آزاد - عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد - فصلنامه پیام کتابخانه - سال دوم - شماره ۲ و ۳ تابستان و پاییز ۷۱ صفحه‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴.
- ۳- نقد حال استیضاح (۴) - دکتر سیدعطاء... مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - روزنامه اطلاعات - مورخه ۲۱ فروردین ۷۸ شماره ۲۱۵۹۴

انطباق با اصول و ارزشهای اسلامی

نیل بدین هدفها بی‌عنایت به اصول سیاست فرهنگی، یعنی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی و فراهم کردن امکانات پیشرفت فرهنگی که کتابخانه عمومی نقشی به سهم خود در این راستا دارد، ناممکن است، از این رو ناگزیر باید اصول سیاست فرهنگی کشور را نیز بدین شرح برشمرد:

- ۱- بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی، هنری و فرهنگ عمومی و نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام و ایران.
- ۲- شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران.
- ۳- ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان
- ۴- شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی، فرهنگی، جهانی با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب
- ۵- تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه با ویژگی‌ها و ممیزات قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت
- ۶- اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن.
- ۷- تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت
- ۸- بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها و حمایت از ابتکارات و ابداعات
- ۹- پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی
- ۱۰- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها
- ۱۱- تقویت فکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تضارب افکار
- ۱۲- مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر



۴. سخنرانی دکتر عطاء... مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گردهمایی «دین، فرهنگ و توسعه» یزد - روزنامه اطلاعات - یکشنبه ۲۳ اسفندماه ۱۳۷۷ - شماره ۲۱۵۸۴.
۵. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام - غلامحسین دینانی - چاپ اول - ۱۳۷۶ - ناشر طرح نو - چاپ قیام - صفحه ۲.
۶. مقاله آموزش و پرورش محور توسعه - نوشته بهرام فولادی - روزنامه اطلاعات - پنجشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۷۷ - شماره ۲۱۵۷۶.
۷. مقاله بیم موج، خاتمی در کسوت نویسنده‌ای اندیشمند و ژرف‌نگر و متعهد - نوشته دکتر سیدعلی اصغر هدایتی روزنامه اطلاعات - چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۷۷ - شماره ۲۱۵۸۱.
۸. مقاله هائیکتون تغییر عقیده داده‌ام - نوشته محسن قانع بصری - نشریه فکر نو - شماره ۱ سال اول دی ماه ۱۳۷۷.
۹. ضمیمه روزنامه اطلاعات - پنجشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۷۷ - شماره ۲۱۵۸۸.
۱۰. بحثی در مورد رسالت کتابخانه عمومی - سعید اکبری‌نژاد - کارشناس سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران فصلنامه پیام کتابخانه - سال دوم - شماره ۲ و ۳ - تابستان و پاییز ۷۱ - صفحه ۱۷.

یادداشتها

۱. قرآن کریم - سورة قلم - آیه (۱).
۲. Gillet
۳. Martin Luther
۴. Alfered Marshall
۵. هشت حوزه تمدنی دنیا عبارتند از: تمدن غرب و امریکای لاتین، تمدن کنفیوسی، تمدن ژاپنی، تمدن اسلامی، تمدن هندی، تمدن اسلاویک، تمدن ارتدکس و تمدن افریقا.

